

# ناشکری و ثمره نیکوکاری/دلایل عدم توجه به حقایق بزرگ هستی<sup>۴</sup>

آیت الله العظمی مدرس در چهارمین جلسه تفسیر سوره انسان نکاتی درباره ناشکری و دلایل عدم توجه به حقایق بزرگ هستی و توجه به امورات دنیوی، مهیا کردن غل و زنجیر و آتش برای کافران و ناشکران، تجسم کارهای دنیوی در آخرت، نتیجه ناشکری و ثمره نیکوکاری، وطن دوست بودن و محبت به یکدیگر سخن گفتند که در ادامه می آید.

بسم رب المهدی(عج)

به گزارش پایگاه اینترنتی دست نوشته های معارفی امیرمحسن سلطان احمدی سیرجانی ([سلطان احمدی دات آی آر](#))؛ چهارمین جلسه تفسیر و تدبر در قرآن مرجع عالیقدر تقلید و مفسر تفسیر من هدی القرآن (هدایت) حضرت آیت الله العظمی «سید محمد تقی مدرس»، بامداد جمعه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ برابر با چهارم ماه مبارک رمضان در دفتر تهران معظم له با محوریت تفسیر آیات چهارم و پنجم سوره انسان که خداوند می فرماید: **إِنَّمَا أُعْتِدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا** [۴] **إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا** [۵] برگزار شد.



مشروح بیانات معظم له به شرح زیر است:

## چرا نسبت به حقایق بزرگ هستی بی توجه هستید؟

سوالی برای بنده و همه مطرح می شود که چرا ما بشر نسبت به حقایق بزرگ بی توجه هستیم و جدی نیستیم؟ به مسائل روز مره، خرد و خوراک و رفت و آمد توجه می کنیم اما اینکه از کجا آمده ایم؟ به کجا می خواهیم برویم؟ بهشت و جهنم و مرگ اصلا توجه نداریم واز آن می گذریم.

## توجه به مرگ یکی از حقایق مهم و بزرگ

حالا در بین این موضوعات و حقایق مهم، کمترین آنها مرگ است، که حقیقتی واضح و قطعی است واضح و نمی شود آن را انکار کرد. ما در زندگی مرتبط با این حقیقت تلخ مواجه هستیم، شاید روز اولی که یک کودکی شنید فلانی فوت کرد، آن کودک شوکه شد که چگونه این فرد که دیروز در جمع آنها بود اما او را باید الان به خاک بسپارند و در خاک دفنش کنند.

آقا امیرالمومنین(ع) درباره مرگ می فرماید: این مسافری هست که می رود و بر میگردد، بعد فرمودند: اگر تو یک جنازه ای را به سمت گورستان تشیع کردی، بدان که یک روز هم خودتان را تشیع می کنند. حالا چقدر این حقیقت مرگ را درک می کنیم؟

## حقایق بزرگ اساس زندگی و سمت حرکت بشر

در این دنیا مثلا ۷۰ سال زندگی می کنیم؛ اصلا این دنیا یعنی چه؟ آسمان و زمین و کهکشان چه هستند؟ برای من سوال است که چرا بشر برای حقایق اندک حساس هستند، ولی نسبت به حقایق بزرگ بی توجه هستند، در حالی که این حقایق بزرگ اساس زندگی بشر است.

فرض کنید، امروز صبح بنده نتوانستم برای خود غذا تهیه کنم، خوب بعد تهیه می کنم؛ اما اگر کسی بیاید مسئله مهم مرگ را نادیده بگیرد با سرنوشتش بازی کرده است.

## در زندگی اول سمت حرکت خود را مشخص کنید

در زندگی باید اول طرف حرکت خود را تعیین کنید و بعد که تعیین کردید، حرکت کنید. باید اول سمت شمال، جنوب، شرق و غرب را اول مشخص کنید، بعد مثلا ماشین بگیرید و حرکت کنید. اما اگر انسان سمت حرکتش را مشخص نکرده و شروع به راه رفتن کند، این عین خطا است. شاعر هم گفته است: « ..... »

بنابراین اگر سمت حرکت اگر غلط باشد به قول آقا امیرالمومنین(ع) هر چه بیشتر کوشش کنید از هدفان دورتر می شوید. لذا حقایق بزرگ سمت حرکت انسان را مشخص می کند.

## چرایی و دلایل تفکر بر مسائل جزئی و فرار از مسائل اصلی

### اول: هدف قرار دادن مسائل جزئی در زندگی

اولاً ما بشر مغزمان از اول بزرگ نبوده است، یعنی بشر وقتی به دنیا آمده قدرت فکر او محدود بوده است ولی زمینه توسعه دارد، اما باید کوشش کند. بعضی از نظر عمر بزرگ می شوند اما از نظر فکر هنوز بچه هستند، به همین دلیل است که مسائل بزرگ را نادیده می گیرند، حتی اگر یک روزی یکی از این مسائل بزرگ مانند خدا، پیامبر(ص)، قیامت و مرگ را درک کند، روزی زود از این مسائل بزرگ منصرف می شود و به سمت مسائل روز مره خودش می رود.

چنین افرادی هدف حرکت زندگی آنها همین مسائل کوچک بوده است و در زندگی خود برای مسائل اصل و مهم کوششی نکرده اند.

### دوم: ترس از حقایق اساسی و بزرگ

دوماً همین که در مسائل بزرگ و حقایق اساسی بخواهیم فکر کنیم، یک ترس داریم که باعث مواجهه شدن با یک سری مسئولیت های جدی می شویم. یعنی چون مرگ حق است، یک مسئولیت و باری را بر او حمل می کند که از این بار و مسئولیت می ترسد، بنابراین از آن فرار می کند. در صورتی که باید از خدا و جهنم ترسید.

### ترس از خدا و جنگ با هوای نفس راه رسیدن به بهشت

من از آیه ۴۰ و ۴۱ سوره نازعات استفاده می کنم که خداوند می فرماید: «وَأْمُرْ مَنۡ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى النَّفْسَ ٱلۡفَٰسِقَۃَ ٱلۡهَوَىٰ؛ فَإِنَّ ٱلۡجَنَّةَ هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ / و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، قطعاً بهشت جایگاه اوست».

در آیه اول دو فرض است که اول می فرماید: « خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ » یعنی اول از خدا بترسید، حالا که از خدا ترسید باز هم کافی نیست، حالا باید با هوای نفس جنگ کنید تا پیروز شوید. پس اول

با خدا بترسید و دوم با هوای نفس هم بجنگید تا پیروز شوید؛ حالا که پیروز شدید، جایگاه شما بهشت است، « فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ».

این نفس را کم نگیرید، آقا پیامبر اکرم(ص) در حدیثی نفس را به حیوانی خبیث تشبیه کرده اند که هر لحظه اگر از این حیوان غافل شوید، این حیوان شما را پرت می کند. همچنین یک روز پیامبر(ص) در راهی حرکت می کردند، دیدند یک عده جمع شدند و سنگی را کسی بر می دارد و می گذارد و به پیامبر(ص) گفتند دنبال قهرمان هستیم! پیامبر(ص) هم فرمودند قهرمان کسی است که بر نفسش غلبه کند.

پس طبق این آیه «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ الْعَنِئَةَ الْهَوَىٰ؛ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ» ، اول از خدا و جهنم و مرگ بترسد و در برابر یاوه گری نفس اماره قیام کنید تا پیروز شوید، پس نتیجه اینکه بهشت جایگاه شما خواهد شد.

### سوم: مشغولیات دنیا از دیگر دلایل فرار از مسائل اساسی

سوماً دلیل دیگر که بشر از مسائل اساسی و مهم گریزان هست به خاطر مشغولیات دنیا است که ما را فرا گرفته و هر روز هم آن را زیاد می کنیم و برای وقت گذاشتن به مسائل اساسی این مسائل را امروز و فردا می کنیم و برای آنچه که باید برای آن فکر کنیم، وقت نمی گذاریم.

### مهیا کردن غل و زنجیر و آتش برای ناشکران /

کافر کسی است که شاکر نیست و در آیه چهارم سوره انسان خداوند سه چیز را برای کافران تهیه نموده و می فرماید: «إِنَّ زَا أَعْتَدُ لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا»، در این آیه برای کافر سه چیز «سَلَاسِلَ» زنجیر، «أَغْلَالًا» غل و «سَعِيرًا» آتش سوزنده، آماده شده است.

زنجیر را که می بندند، مثلاً یک عده از گناهکاران را به هم می بندند و مثلاً به زندان می برند. «أَغْلَالًا» هم نوعی زنجیر است که دست و پای انسان را به هم قفل می کند که به فارسی به آن غل و زنجیر گفته می شود. «سَعِيرًا» هم یعنی یک آتش فروزان و ملتهب است، که این سه چیز را برای کافران مهیا کرده اند.

## سیاه چال های آتشین در آسمان

اخیرا درباره سیاه چال هایی که در آسمان ها هست، یک بحثی شد و تا حالا کسی نمی توانست عکسی از آن تهیه کند که اخیرا توانستند. حالا این سیاه چال ها جایی هست که خورشیدها وقتی پیر می شوند آن را در آنجا می اندازند و قعر آن معلوم نیست و جایی است که خورشیدها را دفن می کنند.

این قدر آتش اینجا شدید است که به نور هم اجازه نمی دهد که فرار کند و نور را هم جذب می کند. در روایات هم داریم که آتش جهنم سیاه است و حتی اگر خورشید را در جهنم بیندازند، خورشید هم از شدت حرارت جهنم فریاد می زند. حالا من عرض می کنم، شاید یکی از این سیاه چال ها را برای جهنمیان مهیا کرده اند، پس چرا ما نباید بترسیم!

### در آیات ابتدایی سوره انسان چرا اول بحث کافرین شده سپس مومنین؟

در اینجا دو سوال پیش آمده که چرا خداوند اول بحث کافر را نموده و می فرماید: «إِنَّ زَنْجًا أَعْتَدَ لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا»، و بعد بحث مومنین را نموده است و می فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا». پاسخ این است که چون کفار گذرا بحث شده ولی مومنین مفصل ذکر شده است.

بعضی از مفسرین در این باره گفتند: چون این سوره درباره ائمه اطهار(ع) و پنج تن وارد شده است، بنابراین جنبه ثواب در این سوره بیشتر از جنبه عذاب ذکر شده است. و همچنین گفته اند اسمی از حورالعین به احترام بی بی دو عالم حضرت صدیقه (س) نیامده است.

### تجسم کارهای دنیا در آخرت

حالا مفسرین این چنین فرمودند، ولی سوال دوم این است که چه رابطه بین غل و زنجیر و سعیر و بین کفر ورزیدن و ناشکر بودن است؟ این سوال را چرا عرض می کنیم؟ چون همیشه اعمال ما در دنیا به همانگونه در آخرت مجسم می شود. یعنی این مار و عقرب های جهنم، همین کارهای امروز ما در دنیا است، البته حورالعین و ثواب های بهشت هم کارهای همین دنیای ما است.

کسی آمد خدمت امام صادق(ع) درباره شکل و قیافه حورالعین سوال کرد

و گفت این حورالعین را برای من بحث کنید، حضرت هم در پاسخ فرمودند: به این حرفها خودت را مشغول نکن، اما بدان این حورالعین مهریه و صداق می خواهد که مهر و صداق آنها نماز است، تو نماز بخوان. بنابراین نماز و روزه و اعمال خوب ما اگر مخلصانه باشد، نتیجه اش بهشت است، و اینها کارهای شماست.

## نتیجه ناشکری در دنیا

من یک عرض دارم و آن اینکه کسانی که ناسپاس، ناشکر و کفور هستند و ناشکری می کند، در این آیات گفته کفور که اینها گاهی ناشکری می کند و یک جا گفته کافر، که اینها همیشه ناشکری می کنند.

حالا کسانی که ناشکری می کنند و ناشکر هستند، این افراد همیشه در همین دنیا زندانی هستند. و کلا بشر به خاطر ناشکری کردن خود را در این دنیا زندانی کرده است. حالا چرا بعضی افراد نسبت به هم سوء ظن دارند و دوست همدیگر نیستند؟ و مرتب نسبت به همه چیز ناشکری می کنند.

## تفکر روی شنیدنی ها جهت تاثیر گذاری

من حتی زبان عربی هم حرف می زنم، دلم می خواهد وجدانی حرف بزنم نه قلمی. شاید کسی به وجدان خودش رجوع کند و ببیند این عرایض ما درست است یا نه؟ پس این صحبت های ما را چشم بسته نگیرید و روی آن فکر کنید و بعد از دقت تمام آن را بگیرید، چون صحبت های گذرا اثری ندارد.

## به دیگران محبت و دُسن ظن داشته باشید

شما گاهی شده در یک موقعیت قرار گرفته اید که سپاسگزار و شکور بودید و اینجا ناشکری نکردید. مثلا شب عاشورا به هیئتی رفتید و در گرم سینه زنی از خود بی خود و یک روح جمعی بر شما وارد شده است و شاکر شدید. یا در حج یا پیاده روی کربلا رفتید و در بین راه خیلی ها خودشان را فراموش کردند و مانند روحی که دارد حرکت می کند، در حرکت است، این حالت همیشه مومن است و نسبت به دیگران محبت و حسن ظن دارد.

ناشکری نکنید، بدانید خدا بد خلق نکرده است، پس چرا خیال می کنید همه مردم، همه خلق، همه زمانه بد است و ناشکری می کنید، اینجور نیست خدا خوب خلق کرده و زمین را هم اصلاح کرده است.

## همه‌ی هموطن‌های خود را دوست خود بدانید / کشور دوست باشید

شما به عنوان یک شهروند ایرانی تصور کنید که در ایران هشتاد میلیون دوست دارید و چقدر زندگی خوبی دارید، حتی در آن آخرین روستای دور افتاده که کسی زندگی می‌کند، آن روستایی هم دوست شما است و در کل شما در یک کشتی و یک خانه هستید. پس چرا ناشکری می‌کنید؟

من میهن پرست نیستم و آن را شرک می‌دانم اما میهن دوست هستم، پس کشورتان را دوست داشته باشید، آنگاه دیگر گران فروشی هم از بین می‌رود و کسی دشمن کسی نیست. و حملات به یکدیگر از بین می‌رود و این آمار تصادفات در جاده‌ها نیز کاهش می‌یابد.

چرا باید در ایران نرخ فوتی‌ها در جاده‌ها زیاد است؟ چون من باید حتماً رد شوم و باعث تصادف می‌شود، و این رد شدن به خاطر این است که محبت نیست و خیال می‌کنیم او دشمن من است و یا قصد رقابت کردن را داریم و منجر به تصادفات مرگ بار می‌شود در صورتی که دیگران هم هم وطن شما هستند و ما باید به یکدیگر محبت داشته باشیم.

بدانید وقتی با این منیت زندگی می‌کنید در زندان هستید، این نفس، این منیت زندان انسان است. از این نفس بیرون بیایید و در محیطی با محبت زندگی کنید، حتی حیوانات را هم دوست داشته باشید و به آنها هم محبت کنید. ما بچه بودیم و شعر سعدی را به ما می‌گفتند: سعدی هم چه زیبا گفت: «میازار موری که دانه‌کش است، جان دارد و جان شیرین خوش است».

مورچه دارد حرکت می‌کند چرا بزنیمش این شعر در ما اثر گذاشت، مورچه که دارد حرکت می‌کند چرا باید آزارش بدهیم؟ تا آنجایی که می‌توانید باید به کل خلقت محبت داشته باشید.

امشب شب جمعه است و شب جمعه اول ماه مبارک رمضان است و همین جا دعا می‌کنم که ای خدا از این رحمت خودت که ارحم الراحمین است به ما هم لطف کن که ما نسبت به هم رحیم باشیم.

یکی از پیامبران بر قومش دعا کرد، ولی خدا فرمود این قوم در فلان ساعت عذاب می‌شود؛ اما آن لحظه گذشت و عذابی نازل نشد و این پیامبر به خدا گفت پس چه شد؟ و خدا گفت اینها به هم رحم کردند، اگر یک نان داشتند آن را بین دیگران هم تقسیم کردند و به همدیگر توجه کردند.

## زندانی شدن در زندان نفس اماره

این منیت‌ها باعث شده که غل و زنجیرها را در دنیا به خود بستید و خود را در زندان نفس اماره زندانی کردید و همه اش گفتید: من، من، من... حالا بدانید روز قیامت هم همین غل و زنجیر و سعیر است. و کسی که زندگی اش از همین دنیا در زنجیر بوده و حتی نتوانسته با خانواده و همسر و اداره خود بسازد و با همه سوطن داشته در آخرت هم با غل و زنجیر در آتش است. پس زندگی چنین کسی از همین دنیا در جهنم و آتش بوده است و نقدا در همین دنیا در آتش است و فردای قیامت هم این آتش سوزان تر می شود.

## پاداش نیکوکاران

حالا آن طرف خداوند می فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا»؛ کلمه ابرار از «بِر» گرفته شده است، که به معنی نیکوکار است و «بِر» به معنی نیکوکاری است.

## جام آبی که مومنین نیکوکار می نوشند

کسانی که نیکوکار هستند دیگر ناشکری نمی کنند بلکه از شکر گذشته اند و از مرحله شکر عبور و به عمل شکر رسیده اند، که به دیگران خدمت و احسان می کنند. چنین افرادی در آخرت چه جایگاهی دارند؟ که در اینجا خداوند می فرماید: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا / به یقین ابرار و نیکان از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است» (آیه ۵ سوره انسان).

نوشیدن آب غالباً اینجور است، که بعد از یک استراحت در یک جای خوب و غذای خوب، آب می خواهد و این شراب در آن کافور است. در دنیا کافور هم خوش طعم، هم خوش بو، هم اینکه به انسان احساس سردی و خنکی دست می دهد. خصوصاً اگر کسی حرارت عطش داشته باشد آب با کافور حرارت را کم می کند.

«مِزَاجُهَا» یعنی مخلوط شود؛ حالا «كَأْسٍ» از کجا آمده است؟ در آیه بعد می فرماید: «عَيِّدْنَا يَشْرَبُوا بِهَا عِيدًا لِلَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا / چشمه ای که بندگان خدا از آن می نوشند و جاریش می کنند» (آیه ۶ سوره انسان). این یک جایی است که مال بندگان راستین خداست.



در روایات آمده است این جا اساس آن در خانه پیامبر اکرم(ص) است. آبهایی که هست می گویند مثلا از فلان چشمه آمده است، اما این چشمه اساس آن در منزل حضرت است. حالا بعد از آن چگونه این آب در خانه مومنین آمده است؟ این جور نیست که این آب روی زمین باشد، بلکه جوری است که مثلا الان فرضا امروزه چطور در لوله های منازل آب را برای ما می آورند، این آب هم یک همچین چیزی است و مومن که می آید تا نگاه می کند آب منفجر می شود و او آن آب را می خورد و آبی است که دست اول است و هیچ آلودگی ندارد، به نحوی که تا دست می زند باز می شود و مومن از آن می خورد.

بعضی از مفسرین گفته اند مومن هر جایی که هست حتی در خانه اش باشد و یا در حرکت باشد، تا اشاره برای آب خوردن کند یک نحر آبی بالاتر از زمین پیدا می شود و از آن می نوشد و بهشت اینجور است. حالا چرا اینجور است؟ چون این فرد نسبت به دیگران در دنیا نیکوکاری و احسان داشت و «إِنَّ الْأَبْرَارَ» بود.

اساسا ببینید گاهی شما جایی مهمان می شوید و میگویند فلانی فلانی هستید، اما اگر بگویند در این مهمانی علما هستند، خوشحال می شود. حالا «عِبَادُ اللَّهِ» کسانی هستند که همیشه در عبادت بودند، البته گاهی این شخص از آنها نبوده اما خدا تفضل کرده و این را به آنها ملحق کرده است، چون این افراد شکور بودند. و علت شکور بودن آنها نیز در آیه بعد آمده که آنها به نذر و عهد و پیمان وفادار بودند.

پدیدآورنده:

به قلم: امیرمحسن سلطان احمدی

[www.soltanahmadi.ir](http://www.soltanahmadi.ir)